

حمایت از حقوق متهمان به جنایات بین‌المللی در مرحله دادرسی^۱

منصوره خلجی

پژوهشگر

چکیده

یکی از ویژگی‌های بارز حقوق کیفری مدرن، اثرپذیری آن از حقوق بشر است. به عبارت دیگر دادرسی کیفری یکی از اساسی‌ترین جنبه‌های حقوق بشر محسوب می‌شود. حقوق بشر بخشی ویژه از حقوق است که هر کس تنها به این دلیل ساده که فردی از افراد بشر است، از آن بهره‌مند می‌گردد. آن بخش از حقوق بشر که با حقوق کیفری مرتبط است، موارد مربوط به شأن و کرامت بشری است. بنابراین اگر اقداماتی که در جهت کشف جرم و اثبات مجرمیت صورت می‌گیرد، مغایر با شأن و کرامت انسانی باشد، با قواعد و مقررات حقوق بشر مخالف است. از این رو در مقدمه منشور ملل متحد، پیشبرد حقوق بشر در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و توسعه انسانی مورد توجه قرار گرفته و به عنوان حقوق اساسی بشر مورد شناسایی واقع شده است. بر این اساس تلاش‌های گسترده‌ای در سطح جهانی و منطقه‌ای جهت تضمین و ترویج این امر صورت گرفته است. با توجه به انعکاس حقوق بشر از جمله حقوق متهمان در اسناد جهانی و منطقه‌ای و توجه روزافزون به آن، رعایت تضمین‌های اساسی مربوط به محاکمه منصفانه در مراجع کیفری بین‌المللی که با هدف تعقیب و مجازات جنایتکاران بین‌المللی تشکیل می‌شوند، امری بدیهی به نظر می‌رسد. از این رو بخش‌هایی از مقررات اساسنامه و آیین دادرسی مراجع مذکور به این امر اختصاص یافته است. هدف از نگارش این مقاله توضیح و تشریح حقوق متهمان به جنایات بین‌المللی در مرحله دادرسی با استناد به اسناد جهانی و منطقه‌ای، اساسنامه و رویه محاکم کیفری بین‌المللی می‌باشد.

واژگان کلیدی

حقوق بشر، جنایات بین‌المللی، متهم، دادرسی، دفاع نظام دادرسی حاکم بر محاکم کیفری بین‌المللی

۱- کار ارزیابی این مقاله در تاریخ ۸۶/۲/۲۲ آغاز و در تاریخ ۸۶/۲/۳۱ به اتمام رسید.

کشتارهای دسته جمعی، نسل‌کشی‌ها و تجاوز به حقوق انسانی و سایر وقایع هولناکی که در جریان جنگ جهانی دوم و پس از آن در دو دهه اخیر در برخی از نقاط جهان روی داد، افکار عمومی انسان‌ها را به سوی ایجاد یک نظام کیفری بین‌المللی مستقل به دور از ملاحظات سیاسی که بی‌طرف، عادلانه، مؤثر و کارآمد باشد، هدایت و معطوف نمود. در این راستا محاکم کیفری نورنبرگ و توکیو و در سال‌های اخیر محاکم کیفری بین‌المللی رواندا، یوگسلاوی سابق و در نهایت دیوان کیفری بین‌المللی برای تعقیب و رسیدگی به اتهامات متهمان به ارتکاب خطرناک‌ترین جنایات بین‌المللی از جمله جنایات جنگی، جنایت نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایت تجاوز تشکیل شدند.

تحول محاکم کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا و اقدامات انجام شده جهت تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی بیانگر آن است که قواعد و مقررات داخلی به خودی خود قابل استفاده در محاکم کیفری بین‌المللی نیستند. از این رو اعمال تلفیقی از قواعد و رویه‌های ناشی از سیستم‌های مختلف حقوقی یا ایجاد قواعد جدید، ضروری به نظر می‌رسد (Orie, 2002, p.1440).

اگر چه محاکم نورنبرگ و توکیو متشکل از قضاتی با پیشینه‌های حقوقی متفاوت بودند، اما جنبه‌های حقوق عرفی (کامن‌لا) در منشور و آیین دادرسی برتری داشت و تمایل بیشتر به سمت سیستم اتهامی بود^۱ (Ibid, p.1456-1467). در اساسنامه و آیین دادرسی محاکم کیفری بین‌المللی برای رواندا و یوگسلاوی سابق نیز از سیستم مختلط تبعیت شده است. قضات محاکم مذکور به اتفاق معتقدند که مقررات اساسنامه و آیین دادرسی باید منعکس‌کننده مفاهیمی باشند که عموماً منصفانه تلقی می‌شوند. در تدوین اولیه مقررات مذکور، گرایش بیشتر به سمت سیستم اتهامی که سیستم غالب در قاره اروپا و اکثر کشورهای دنیاست،

۱- سیستم اتهامی؛ این سیستم قدیمی‌ترین شیوه رسیدگی به دعاوی محسوب می‌گردد. ضرورت طرح شکایت از سوی شاکی، شفاهی بودن رسیدگی، علنی بودن محاکمه، ترافی بودن و رعایت تساوی میان اصحاب دعوا از ویژگی‌های این نظام به شمار می‌رود.

بود. از زمان تدوین مقررات آیین دادرسی قضات این محاکم بیش از بیست بار اقدام به اصلاح مقررات نموده‌اند. اصلاحات مذکور بیشتر متمایل به سیستم تفتیشی است^۱ (Orie, 2002, p.1463).

برای تدوین مقررات اساسنامه و آیین دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی اجلاس‌های متعددی برگزار گردید. در جریان مذاکرات، نمایندگان دول شرکت‌کننده سعی در معرفی اصول و قواعد سیستم‌های حقوقی تابعه خود داشتند. اما در نهایت موفق به تدوین مهم‌ترین استانداردهای آیین دادرسی صرف‌نظر از موقعیت‌های ملی خود شدند. با این حال در تدوین مقررات بیشتر از سیستم کامن‌لا تبعیت شده است. تدوین‌کنندگان سعی کرده‌اند، حق دفاع متهم به طور کامل تأمین گردد (Ibid, 1475).

حقوق متهمان به جنایات بین‌المللی در مرحله دادرسی

یکی از مراحل مهم در دادرسی‌های جزایی، مرحله دادرسی یا رسیدگی در دادگاه است. پس از اتمام تحقیقات مقدماتی، در صورت آماده بودن پرونده اتهامی، رسیدگی به آن توسط دادگاه کیفری آغاز می‌گردد. در این مرحله سرنوشت متهم از حیث تشخیص مسؤلیت کیفری و صدور حکم برائت یا مجازات، توسط دادگاه صالح رقم می‌خورد. از این رو اتخاذ تصمیم در مورد بی‌گناهی و یا بزه‌کاری او و همچنین میزان مسؤلیت و تعیین مجازات متناسب با شخصیت متهم، این مرحله از مراحل دادرسی را از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌کند. به دلیل اهمیت ویژه این مرحله، قوانین دادرسی کیفری و اسناد بین‌المللی حقوق بشر^۲ بر دامنه تضمینات حقوق متهم در اثنای دادرسی افزوده‌اند و بر رعایت اصول اساسی به منظور تضمین حقوق متهم در مرحله دادرسی تأکید ورزیده‌اند.

۱- سیستم تفتیشی؛ این سیستم پس از سیستم اتهامی پدید آمده است. قضات حرفه‌ای، وحدت قاضی و دادستان، کتبی بودن رسیدگی، غیرعلنی، ترافی بودن رسیدگی از ویژگی‌های این نظام محسوب می‌گردد.

۲- ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۴ میثاق حقوق متهمان سیاسی، ماده ۶

توجه و رعایت حقوق متهمان به جنایات بین‌المللی در مرحله رسیدگی، از زمان تشکیل محاکم نورنبرگ و توکیو پیشرفت عمده‌ای داشته است. فصل چهارم منشور نورنبرگ^۱ به حقوق متهمان اختصاص داشت و در آن حقوقی از قبیل سؤال از شهود، بهره‌مندی از مساعدت وکیل و مترجم برای متهمان در نظر گرفته شده است.

پس از آن در زمان تدوین اساسنامه محاکم کیفری بین‌المللی برای رواندا و یوگسلاوی سابق و دادگاه کیفری بین‌المللی نیز اصل برخورداری از یک محاکمه منصفانه به رسمیت شناخته شد و مورد توجه خاص قرار گرفت^۲.
بر این اساس حقوق متهمان به جنایات بین‌المللی در دو قسمت مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- نحوه و کیفیت تشکیل جلسات دادگاه

برای تضمین عادلانه بودن محاکمه کیفری، اصول کلی برای نحوه تشکیل محاکم و جلسات آنها تدوین شده است. از جمله می‌توان به استقلال و بی‌طرفی محاکم، قانونی بودن تشکیل دادگاه، علنی بودن جلسات رسیدگی و حضوری بودن دادرسی اشاره کرد. اصول مذکور، در کنوانسیون‌های حقوق بشری و اساسنامه محاکم کیفری بین‌المللی به رسمیت شناخته شده‌اند. البته رویه محاکم کیفری بین‌المللی در قبال آنها یکسان نبوده و ایرادها و انتقادهای متعددی بر آنها وارد شده است. از این رو، در این مبحث هر یک از موارد مذکور به استناد رویه قضایی محاکم کیفری بین‌المللی و اسناد بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- ماده ۶ منشور نورنبرگ و ماده ۲ آیین‌دادرسی.

۲- مواد ۲۰ و ۲۱ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا یوگسلاوی سابق، مواد ۶۶ و ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.

الف - قانونی بودن دادگاه؛ اولین تضمین اساسی جهت انجام یک محاکمه منصفانه، رعایت اصل قانونی بودن تشکیل دادگاه است. در دادگاه نورنبرگ در ضمن رسیدگی به پرونده‌های مطروحه به بحث قانونی بودن تشکیل دادگاه نیز اشاره شده است. در نظر دادگاه، تنظیم مقررات اساسنامه در حدود اختیارات قانونی تنظیم‌کنندگان آن بوده، نه برای اینکه آنها دول فاتح بوده‌اند، بلکه از این جهت که آلمان بدون قید و شرط در مقابل آنها تسلیم شده است و اداره کشور و حق قانونگذاری خود را به این کشورها واگذار نموده است و آنها در حدود صلاحیت خود حیثیتی قانونی به نام اساسنامه وضع کرده‌اند.

علاوه بر این، مقررات اساسنامه همان مقررات عهدنامه‌های بین‌المللی است که تهیه‌کنندگان اساسنامه آنها را تکمیل و تدوین کرده‌اند. استدلال دیگری که از سوی دادگاه ارائه شده، این است که قواعد حقوق بین‌الملل از عرف نشأت می‌گیرند که همیشه نیازمند تدوین نیستند. بر این اساس تشکیل دادگاه برای مجازات و محاکمه جنایتکاران جنگی بدون سابقه نبوده است؛ معاهده ورسای و تشکیل دادگاه برای محاکمه گیوم امپراطور آلمان از این قبیل است (هدایتی، ۱۳۲۷، ص ۳۳-۳۴).

پس از بروز بحران در سرزمین‌های یوگسلاوی سابق و رواندا شورای امنیت سازمان ملل متحد در چارچوب فصل هفتم منشور و به موجب قطعنامه‌های ۸۰۸ و ۸۲۷ و ۹۵۵ اقدام به تشکیل محاکم کیفری خاص نمود و آن را اقدامی در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی عنوان کرد.

علاوه بر این، دبیر کل سازمان ملل متحد معتقد بود که ایجاد یک دادگاه بین‌المللی مبتنی بر معاهده بسیار وقت‌گیر است و بیم آن می‌رود که دولت‌های متخاصم از عضویت در چنین معاهده‌ای استنکاف ورزند. از این رو پیشنهاد کرد، شورای امنیت در چارچوب فصل هفتم منشور ملل متحد اقدام به تأسیس دادگاه نماید. اما این رویه از سوی حقوقدانان و متهمان محاکم مذکور مورد انتقاد واقع شد. به عنوان مثال می‌توان به قضیه «تادیچ» اشاره کرد. در این قضیه متهم

استدلال کرد؛ دادگاه بر اساس قانون به نحوی که در بند یک ماده ۱۴ میثاق درج شده، تشکیل نشده است^۱ (*Prosecutor V. Tadic, October 1995, para 41*) .
در این قضیه دادگاه خود را برای بررسی تصمیم شورای امنیت صالح ندانست. دادگاه چنین استدلال کرد که تفکیک قوا به نهادهای قانونگذاری، اجرایی و قضایی که بطور گسترده در سیستم‌های حقوق داخلی متابعت شده است، در فضای بین‌المللی، بخصوص سازمان ملل متحد که فاقد قوه قانونگذاری است، اجرا نمی‌شود (*Ibid, paras. 13 - 25*) .

علاوه بر این، الزام مندرج در ماده ۱۴ میثاق، به این معناست که دادگاه باید بر اساس قواعد حقوقی تشکیل شود (*Ibid, paras. 28 - 40*) .

بدین منظور دادگاه باید مطابق استانداردهای بین‌المللی باشد و تمام تضمین‌های محاکمه منصفانه و عدالت را با انطباق کامل با اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تأمین کند (*Ibid, paras. 45*) . از آنجا که اساسنامه و آیین‌دادرسی دادگاه، مبتنی بر استانداردهای شناخته شده بین‌المللی مندرج در ماده ۱۴ میثاق است، بنابراین تشکیل دادگاه قانونی تلقی می‌شود (*Ibid, paras. 46 - 47*) . در قضایای «الکسویچ» و «میلوسویچ»، استدلال شعبه تجدیدنظر در قضیه تادیچ، مورد پذیرش واقع شد. (*Prosecutor V. Milosevic, 9 August 2001 als Prosecutor V. Aleksovic, 24 March 2000, Para. 115*)

در قضیه «کان یاباشی» نیز مشروعیت دادگاه رواندا مورد تأکید قرار گرفت. دلیل این امر خواست دولت رواندا از شورای امنیت برای تشکیل محکمه مذکور، انجام وظیفه شورا برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، انطباق اساسنامه و آیین‌دادرسی دادگاه با اصول مربوط به محاکمه منصفانه عنوان شد. علاوه بر این بیان شد که دادگاه مشروعیت خود را از فصل ۷ منشور ملل متحد کسب کرده

۱- همه در مقابل دادگاه‌ها و دیوان‌های دادگستری مساوی هستند؛ هر کس حق دارد که دادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه صالحه مستقل و بی‌طرف تشکیل شده، طبق قانون رسیدگی شود و آن دادگاه درباره حقانیت اتهام‌های جزایی علیه او یا اختلافات مراجع به حقوق و الزامات او در امور مدنی اتخاذ تصمیم بنماید.

بیان شد که دادگاه مشروعیت خود را از فصل ۷ منشور ملل متحد کسب کرده است، نه از اصول حاکم بر نظام‌های حقوقی داخلی (کیتیچایساری، ۱۳۸۳، ص ۵۴-۵۵).

با توجه به ایرادهای وارد بر تشکیل محاکم کیفری خاص، تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی با استفاده از روش عهدنامه‌ای و با تأکید بر رعایت اصل قانونی بودن صورت گرفت و در کنفرانسی که در ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ با حضور نمایندگان ۱۶۰ کشور برگزار شد، متن اساسنامه مورد پذیرش واقع شد.

ب - استقلال و بی طرفی دادگاه؛ هر کس حق دارد که به دادخواهی او در یک دادگاه صالح به صورت منصفانه و علنی، که مستقل و بی طرف تشکیل شده، و طبق قانون رسیدگی شود.^۱

همان گونه که ملاحظه شد، از نظر میثاق حقوق مدنی و سیاسی استقلال، بی طرفی و قانونی بودن از شرایط مهم و اساسی دادگاه رسیدگی کننده محسوب می‌گردد.

بهره‌مندی از حق مذکور به اندازه‌ای بنیادین و اساسی است که کمیته حقوق بشر در این خصوص عنوان کرده است: «این حق، حق مطلق است که هیچ استثنایی بر آن وارد نمی‌شود» *Gonzalez del Rio, v. perue, 28 october (1992)*.

اصل مذکور به این معناست که، محاکم باید بطور مستقل و بدون هیچ گونه فشار، دخالت یا تأثیر نامناسب از سوی گروه، دولت یا مقامات دیگر، تنها بر اساس واقعیات موجود در پرونده و مقررات قانونی حاکم بر آن، نسبت به پرونده مطروحه اتخاذ تصمیم کنند.

در اساسنامه محاکم کیفری خاص، یعنی رواندا، یوگسلاوی سابق و دادگاه ویژه سیرالئون، در بخش مربوط به حقوق متهمان، صریحاً به حق بهره‌مندی از انجام محاکمه توسط دادگاه مستقل و بی طرف اشاره نشده است؛ اما اصل مذکور

۱ - بند یک ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی.

از مواد ۱۲ - ۱۳ و ۱۵ اساسنامه، قابل استنباط است. علاوه بر این، این اصل یکی از نتایج مهم اصل محاکمه منصفانه محسوب می‌گردد. بنابراین، رعایت بی‌طرفی و استقلال در محاکم کیفری خاص، یک ضرورت و الزام محسوب می‌شود. توجه به رویه قضایی محاکم کیفری خاص، مؤید این نظر است (Bergsmo, 2003, P.)
50.

اما در بند یک ماده ۴۰ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی صریحاً به موضوع استقلال و در بند دوم بطور مشخص و جزئی به قواعدی که باید رعایت گردد، اشاره شده است.

علاوه بر این، نحوه انتخاب قضات و ترکیب محاکم، عوامل مهمی در جهت حفظ اصل استقلال و بی‌طرفی محسوب می‌گردد.

بر این اساس انتخاب اشخاص به عنوان قاضی باید بر اساس تحصیلات و تجربیات حقوقی آنها صورت گیرد. بخصوص افرادی که داوطلب انتخاب به عنوان قاضی در یک دادگاه کیفری بین‌المللی هستند، باید از صلاحیت شناخته شده در زمینه‌های مربوط به حقوق بین‌الملل، مانند حقوق بین‌الملل انسانی و حقوق بشر برخوردار باشند.

علاوه بر این قضات باید بصورت تمام وقت استخدام شوند و نباید به فعالیت دیگری که مغایر با شغل آنهاست، بپردازند^۱.

علاوه بر شرایط شکلی مذکور، قضات رسیدگی‌کننده باید فاقد منافع شخصی و هر گونه ارتباطی با پرونده مطروحه باشند و از هر گونه پیش‌داوری راجع به پرونده مطروحه خودداری کنند^۲.

از این رو در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در صورتی که قاضی سابقاً تحت هر عنوانی در پرونده مطروحه تصمیمی اتخاذ نموده باشد، یا در یک پرونده

۱- بند ۲ ماده ۴۰ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی؛ مواد ۱۲ - ۱۳ اساسنامه محاکم کیفری بین‌المللی برای رواندا و یوگسلاوی سابق.

۲- ماده ۴۱ بند ۲ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی؛ ماده ۱۵ آیین دادرسی محاکم کیفری بین‌المللی برای رواندا و یوگسلاوی سابق.

کیفری مرتبط با آنکه در محاکم ملی علیه شخصی که مورد تحقیق یا تعقیب است، مطرح بوده، تصمیمی گرفته باشد، فاقد صلاحیت محسوب می‌گردد.^۱

ج - علنی بودن دادرسی؛ علنی بودن محاکمات و امکان حضور آزادانه و نظارت کلیه افراد جامعه و رسانه‌های گروهی در جریان برگزاری محاکمه به عنوان اصل و قاعده کلی مورد پذیرش قرار گرفته است (خالقی، ۱۳۷۸، ش ۵، ص ۲۹).

این اصل، سنگ بنای جوامع دموکراتیک و آزاد، برای حصول اطمینان از رعایت الزامات محاکمه عادلانه و جریان صحیح رسیدگی است و شائبه نقض حقوق متهم در جریان دادرسی را مرتفع می‌کند (morris, 1995, p.254). به ویژه در دادرسی بین‌المللی که هیأت منصفه نیز حضور ندارند، در صورت غیرعلنی بودن دادرسی، متهم با مأموران تحقیق و تعقیب و قضات رسیدگی‌کننده تنها می‌ماند (آزمایش، ۱۳۸۱، ص ۶۸).

رعایت اصل مذکور در محاکم کیفری بین‌المللی، اطلاع و آگاهی عموم از نحوه عملکرد مؤسسات عمومی و جهانی را تضمین می‌کند. علاوه بر این عملکرد محاکم بین‌المللی در ارتباط با جرایم تحت صلاحیت، اوضاع و احوال ارتکاب جرایم مذکور، مسئولیت‌های ایجاد شده برای مرتکبان جرایم تحت صلاحیت، می‌تواند به عنوان الگو و نمونه از سوی محاکم داخلی مورد بهره‌برداری قرار گیرد (Zappala, 2002, p. 1333).

با این وجود، اصل علنی بودن اصل مطلق نیست، بلکه در اسناد بین‌المللی استثناهایی بر آن وارد شده است.

این موارد عبارتند از: رعایت نظم عمومی، جنبه اخلاقی پرونده مانند جرایم جنسی، منافع اصحاب دعوا و شرایط ویژه هر پرونده، که بر اساس آنها عموم مردم یا مطبوعات از حضور در تمام یا بخشی از جلسات رسیدگی، محروم شده‌اند.

استثناهای مندرج در اساسنامه و آیین‌دادرسی محاکم کیفری خاص، محدودتر

۱- بند ۲ ماده ۴۱ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.

از مواردی است که در میثاق حقوق مدنی و سیاسی درج شده است. علاوه بر این، موارد مذکور ممکن است مبهم بنظر برسد. این امر می‌تواند، امکان سوءاستفاده را افزایش دهد. با این حال دادگاه رسیدگی‌کننده ملزم به صدور دستور مبنی بر تشکیل غیرعلنی جلسات رسیدگی و بیان دلایل آن می‌باشد. بعلاوه عموم مردم می‌توانند در باقی جلساتی که دلایل عدم حضور رفع شده است، شرکت کنند (Morris, 1995, p. 256).

استثناهای مندرج در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مشابه مواردی است که در مقررات محاکم کیفری خاص درج شده است.^۱ از این رو، مطالعه رویه محاکم خاص، می‌تواند در تعیین مواردی که ممکن است منجر به تشکیل غیرعلنی جلسات گردد، برای دیوان کیفری بین‌المللی راه‌گشا باشد.

د- حضوری بودن دادرسی؛ هر متهم به ارتکاب جرم کیفری، حق دارد در جلسات رسیدگی و محاکمه حضور پیدا کند، اظهارات و دلایل دادستان را استماع کند و آنها را مورد اعتراض قرار دهد. حق حضور در جلسات رسیدگی مکمل حق دفاع محسوب می‌شود و به عنوان اصل کلی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر مورد پذیرش واقع شده است.^۲

در محاکم کیفری بین‌المللی، حق مذکور مورد شناسایی واقع شده است. در منشور توکیو محاکمه غیابی پیش‌بینی نشد و درباره دو تن از متهمان که پیش از صدور حکم فوت کردند، هیچ حکمی صادر نشد. اما در محکمه نورنبرگ علاوه بر قبول اصل کلی محاکمه حضوری، استثناهایی بر آن وارد شد. بر این اساس در مواردی که متهم یافت نشود، یا دادگاه به هر دلیلی تشخیص دهد که انجام محاکمه در غیاب متهم، در جهت منافع عدالت است، انجام محاکمه غیابی جایز است (de Than, 2003, p. 120). در زمان تدوین اساسنامه محاکم کیفری

۱- بند ۲ ماده ۶۸، بند ۷ ماده ۶۴، بند ۲ ماده ۶۸ اساسنامه و دیوان کیفری بین‌المللی.

۲- ماده ۱۲ منشور نورنبرگ؛ بند ۳ قسمت د ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی؛ بند ۴ مواد ۲۰ - ۲۱ اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای رواندا و یوگسلاوی سابق؛ بند یک قسمت د ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.

خاص، محاکمه غیابی متهمان منع شد و مغایر ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی تلقی گردید (UNITED NATIONS: Secretary- General's Report May 3, 1993 atp.101)

اما نکته‌ای که در قبال محاکم کیفری خاص رواندا و یوگسلاوی سابق قابل ذکر است، ماده ۶۱ آیین دادرسی است. بر اساس ماده مذکور، در صورتی که اجرای دستور بازداشت امکان‌پذیر نباشد، ممکن است کیفرخواست و اسناد ضمیمه آن به دادگاه ارائه گردد. در صورت توجیه دادگاه مبنی بر ارتکاب جرم از سوی متهم، ممکن است دستور بازداشت بین‌المللی متهم صادر گردد.

دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، در موارد متعدد عنوان کرده است که رویه مذکور در ماده ۶۱ محاکمه غیابی محسوب نمی‌گردد. به دلیل اینکه جلسه رسیدگی، منجر به صدور حکم نمی‌گردد، بلکه منجر به نتیجه‌گیری موقت می‌شود (de Than, 2003, p.120).

نمونه عملی در این ارتباط قضیه «بارایاگویزا» در دادگاه رواندا می‌باشد. در قضیه مذکور متهم با این ادعا که دادگاه رواندا از محاکمه عادلانه وی عاجز است، از حضور در جلسه دادگاه امتناع کرد و به وکلای مدافع خود نیز که از سوی دادگاه منصوب شده بودند، دستور داد از حضور در جلسه خودداری کنند.

در مقابل دادگاه اعلام کرد، نظر به اوضاع و احوال قضیه، چون متهم به نحو شایسته‌ای از جریان محاکمه خویش آگاه شده است، نه مقررات اساسنامه و نه قواعد حقوق بشر، هیچ کدام مانع از آن نمی‌شود که رسیدگی به اتهامات متهم در غیاب وی انجام شود (داوید، ۱۳۷۴، ص ۲۲۵).

با این وجود، ایرادهای متعددی بر رویه مذکور وارد شده است. اما موافقان در مقابل استدلال نمودند زمانی که متهم با اطلاع کامل از جریان رسیدگی و امکان حضور و دفاع از خود، در جلسات حضور پیدا نکند، مانع انجام دادرسی خواهد شد. این امر منتهی به ایجاد مانع در انجام وظیفه دادگاه، مبنی بر مجازات مرتکبان خطرترین جنایات بین‌المللی خواهد شد (کیتیچایساری، ۱۳۸۳، ص ۵۴۲). بر این

اساس، در زمان تدوین اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی اصل حضوری بودن محاکمه بدون هیچ استثنایی حتی در صورت فرار متهم، مورد پذیرش واقع شد^۱. در تنظیم مقررات اساسنامه در این خصوص از سیستم کامن‌لا تبعیت شده است؛ اما در سیستم کامن‌لا در مواردی که متهم با اطلاع کامل از جریان دادرسی در جلسات رسیدگی حضور پیدا نمی‌کند، محاکمه در غیاب وی صورت می‌گیرد و هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای برای حذف کامل محاکمه غیابی وجود ندارد. اما در اساسنامه دیوان، محاکمه غیابی بطور کامل حذف گردیده است. رویه مندرج در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی منجر به عدم محاکمه مرتکبان مهم‌ترین جنایات بین‌المللی و عدم جبران خسارات وارد بر قربانیان جرایم مذکور خواهد شد (Zappala, 2002, P. 1480).

۲- حقوق دفاعی متهمان به جنایات بین‌المللی در مرحله دادرسی

حق دفاع در مفهوم عام عبارت است از ممانعت از هر نوع تعدی و تجاوز و مبارزه با عواملی که حیات مادی و معنوی انسان را به خطر می‌اندازد. حق دفاع در مفهوم خاص به معنای جلوگیری از تسلط ناحق، ایستادگی در برابر شکایت و دعاوی، رفع و دفع هر نوع اتهام است. حق دفاع، حقی است که به موجب آن هر فرد مورد تعقیب در محاکم می‌تواند پیش از آنکه مورد حکم قرار بگیرد، از خود دفاع کند.

ضرورت حق دفاع متهم از آنجا ناشی می‌شود که به موجب اصل برائت تا زمانی که در مورد متهمی حکمی صادر نشده است، نمی‌توان او را مجرم شناخت. به همین جهت است که وی را متهم می‌نامند. حق دفاع تضمینی در مقابل اشتباهات دستگاه عدالت به متهم اعطا می‌کند (کاتبی، ۱۳۷۰، ش ۳، ص ۲۷). بر این اساس حق دفاع در اساسنامه محاکم کیفری بین‌المللی و اسناد بین‌المللی به متهمان اعطا شده است و تضمین‌هایی در جهت حفظ و رعایت حق مذکور ایجاد شده است. از جمله

۱- ماده ۶۳ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.

می‌توان به حق بهره‌مندی از مساعدت وکیل و مترجم، حق دسترسی به اسناد، بهره‌مندی از فرصت و تسهیلات لازم جهت تمهید دفاعیات و حق احضار و پرسش از شهود اشاره کرد. ذیلاً هر یک از موارد مذکور مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد:

الف - حق بهره‌مندی از مساعدت وکیل مدافع

یکی از حقوق دفاعی متهمان در مرحله دادرسی، حق بهره‌مندی از مساعدت وکیل مدافع است.^۱ دلیل حضور وکیل مدافع در مرحله دادرسی، ناآشنایی متهمان به موازین و پیچ و خم‌های حقوقی عنوان شده است. بر این اساس، افرادی که با تکنیک‌های حقوقی و روش دادرسی آشنایی کافی نداشته باشند، ممکن است مرتکب اشتباهات قضایی گردند (آشوری، ۱۳۸۳، ص ۳۵۵).

بر اساس مقررات اسناد بین‌المللی، متهمان می‌توانند از مساعدت وکیل منتخب خود بهره‌مند گردند. دلیل اتخاذ چنین رویه‌ای، اهمیت اعتماد و اطمینانی است که باید میان متهم و وکیل مدافع برقرار گردد.

طبق منشور نورنبرگ، متهم می‌توانست وکیل خود را از میان اشخاصی که از صلاحیت وکالت در کشورهای خود برخوردارند، بدون توجه به ملیت، آرا و عقاید آنها و یا اشخاص دیگری که از طرف دادگاه مجاز شناخته می‌شوند، انتخاب کند.^۲ در اساسنامه محاکم کیفری خاص و دیوان کیفری بین‌المللی نیز، حق بهره‌مندی از مساعدت وکیل منتخب به رسمیت شناخته شده است.^۳ حتی در مواردی که

۱- قسمت دوم بند ۴ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر؛ قسمت و ماده ۱۱ کد جنایات ضد صلح و امنیت بشری؛ بند ۴ قسمت دوم ۲۰ - ۲۱ دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا و یوگسلاوی سابق؛ بند د پاراگراف اول ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی؛ بند ۴ قسمت د ماده ۱۷ اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون.

۲- بند ب ماده ۲ منشور نورنبرگ.

۳- ماده ۶۷ قسمت اول بند د اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی بند ۴ قسمت دوم مواد ۲۰ - ۲۱ اساسنامه محاکم کیفری بین‌المللی برای رواندا و یوگسلاوی سابق، بند ۴ قسمت د ماده ۱۷ اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون.

متهم از حق داشتن وکیل اعلام انصراف نماید، دادگاه برای تضمین حقوق دفاعی متهم و به منظور انجام محاکمه منصفانه، دستور انتصاب وکیل تسخیری برای متهم را صادر خواهد نمود (Morris, 1995, P. 233).

در قضیه «بارایاگویزا» در دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا، متهم تصمیم گرفت در جلسات رسیدگی حضور پیدا نکند و از مساعدت وکیل مدافع نیز بهره‌مند نگردد. اما دادگاه به منظور انجام محاکمه منصفانه و تضمین حقوق دفاعی متهم به مدیر دفتر دستور داد برای وی وکیل منصوب کند تا بر اساس بند ۴ ماده ۲۰ اساسنامه کمک‌ها و مشاوره‌های حقوقی را به متهم ارائه کند (Prosecutor V. Bosco Barayagwiza, 6 February 2001).

اتخاذ چنین رویه‌ای در قبال انتصاب وکیل مدافع، بیانگر اهمیت نقش وکلا در جریان رسیدگی کیفری و تأثیر آن بر سرنوشت متهم می‌باشد.

بحث دیگری که در این ارتباط قابل طرح است، حق بهره‌مندی از مساعدت وکیل تسخیری برای متهمانی است که از تمکن مالی برای انتخاب وکیل، بهره‌مند نیستند. اما این امر مطلق نیست و منوط به تحقق شرایطی است.

این شرایط عبارتند از اینکه: منافع عدالت انتصاب وکیل برای متهم را ایجاب کند. دوم اینکه متهم قادر به پرداخت هزینه‌های مربوط به انتخاب وکیل نباشد (Report on the Assignment of Counsel article 8 No.6, 1994).

ایرادهای متعددی بر مشروط بودن انتصاب وکیل تسخیری وارد شده است. در ارتباط با شرط اول گفته‌اند قابل تصور نیست موردی وجود داشته باشد که فردی متهم به ارتکاب جنایات بین‌المللی باشد و نفع عدالت انتصاب وکیل برای وی را ایجاب نکند. شرط مذکور ممکن است در رسیدگی‌های داخلی مفهوم داشته باشد، اما در رسیدگی‌های کیفری بین‌المللی این امر کاملاً بی‌معناست

۱ - بند ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی؛ قسمت ج بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر؛ قسمت ج بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، قسمت د بند ۴ ماده ۲۰ - ۲۱ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی رواندا و یوگسلاوی سابق؛ قسمت د بند یک ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی؛ بند ۴ قسمت د ماده ۱۷ اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون.

و دلیل آن اهمیت جرایم تحت صلاحیت محاکم کیفری بین‌المللی است. علاوه بر این معیار نفع عدالت، معیار مبهمی است که نیاز به وضوح بیشتری دارد (Boas &, 2003, P. 38).

بر این اساس در کد جنایات ضد صلح و امنیت بشری حق بهره‌مندی از مساعدت وکیل تسخیری به طور مطلق مورد پذیرش واقع شده است. دلیل آن، خطیر بودن جرایم مندرج در کد مورد بحث و شدت احتمالی مجازاتی است که ممکن است برای مرتکبان تعیین گردد^۱.

معیار دوم، معیار تمکن مالی است. تشخیص معیار مذکور، در دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق بر عهده دبیرخانه است که پس از تأیید دبیرخانه باید به تصویب دادگاه نیز برسد. بر اساس مقررات مذکور، شخصی که دارای کافی برای استخدام وکیل و پرداخت هزینه‌های مشاوره حقوقی را نداشته باشد، ناتوان از انتخاب و تعیین وکیل مدافع برای خود محسوب می‌گردد (Report on the Assignment of Counsel article 5, No.6, 1994).

بنابراین حق متهم بی‌بضاعت برای بهره‌مندی از مساعدت رایگان وکیل، بحث ایجاد تعادل میان دو الزام را مطرح می‌کند. از یک سو امکان بهره‌مندی از مساعدت وکیل برای آمادگی دفاع و تضمین یک محاکمه عادلانه و از سوی دیگر توجه به منابع و امکانات دادگاه، مطرح می‌گردد. از این رو در انتخاب وکیل تسخیری باید منابع و امکانات دادگاه و صلاحیت و تجربه وکلای مدافع مد نظر قرار بگیرد.

ب - حق برخوردارگی از معاضدت رایگان مترجم

متهم حق دارد، از دلایل و ماهیت اتهامی که بر علیه وی مطرح شده است، به زبانی که برای وی قابل درک است یا به آن صحبت می‌کند، مطلع گردد. در صورتی که زبان مورد استفاده دادگاه و یا مدارکی که علیه متهم ارائه شده، به

۱- www. Un. Org/ law/ ilc/ texts/ dcode

زبان قابل درک متهم نباشد، باید از همراهی مترجم بهره‌مند گردد. حق بهره‌مندی از مساعدت مترجم، از نتایج اصل براءت، تضمین محاکمه عادلانه و بهره‌مندی از تسهیلات کافی برای دفاع، محسوب می‌گردد. حق بهره‌مندی از مساعدت مترجم هم جریان شفاهی رسیدگی در دادگاه و هم ترجمه اسناد کتبی را در بر می‌گیرد. در دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا، با اینکه اغلب متهمان قادر به درک و صحبت به زبان رسمی دادگاه، یعنی فرانسوی بودند، بحث ترجمه اسناد در مواردی که متهم قادر به درک زبان رسمی دادگاه نبود، مطرح گردید. به عنوان مثال در قضیه موهیمان، دادگاه رسیدگی‌کننده به بند ه ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی که مربوط به حق محاکمه منصفانه است، اشاره کرد و عنوان نمود که مقرر مذکور، با مقرر مربوط به حق آگاهی از دلایل و ماهیت اتهام با هم در نظر گرفته می‌شود و نه تنها اقدامات و رسیدگی شفاهی، بلکه کلیه اسناد مرتبط با دعوی را پوشش می‌دهد (H. Oxman, 1998, page, 20).

علاوه بر این، حق بهره‌مندی از ترجمه اسناد مورد استناد به عنوان یکی از دلایل افزایش محدوده زمانی جهت ارائه پاسخ و دفاع مناسب، مورد قبول واقع شد (Prosecutor V. Zoran Zigic, 24 June 1998).

ج - دسترسی به اسناد، بهره‌مندی از فرصت و تسهیلات لازم جهت تمهید دفاعیات

حق بهره‌مندی از فرصت و تسهیلات کافی، از تضمین‌های مهم حق دفاع محسوب می‌شود. زمانی که دلایلی دال بر ارتکاب جرم از ناحیه متهم ارائه می‌گردد، متهم باید از فرصت و امکانات لازم، جهت اثبات براءت خود، بهره‌مند گردد.

بنابراین بهره‌مندی از فرصت و تسهیلات کافی این امکان را به متهم می‌دهد تا وی شهود، مدارک و دلایل خود را جهت رد اتهام وارد شده جمع‌آوری کند و

بتواند آزادانه با وکیل خویش مشورت نماید و با آرامش خیال، درصدد دفاع از خود برآید^۱.

دسترسی به اسناد، بهره‌مندی از زمان کافی، بهره‌مندی از تسهیلات لازم جهت تمهید دفاعیات از زیر مجموعه‌های این حق محسوب می‌شوند.

۱- حق دسترسی به اطلاعات و اسناد؛ دسترسی به اسناد و اطلاعات، از پیش شرط‌های لازم جهت تمهید دفاعی مناسب، محسوب می‌گردد. در محکمه نورنبرگ، متهم می‌توانست از اسنادی که ضمیمه کیفرخواست بود، کپی تهیه کند؛ اما لیستی از اسناد دادستان در اختیار متهم قرار نمی‌گرفت. اگر متهم دسترسی به دلیل خاصی را عنوان می‌کرد، دلیل مذکور در اختیار وی قرار می‌گرفت و اگر عنوان می‌کرد قبلاً به تصمیم خاصی اعتراض کرده است اما زمان و مکان آن را به خاطر نمی‌آورد، اجازه بررسی اسناد به وی داده می‌شد (Orie, 2002, P. 1460).

بر اساس مقررات محاکم کیفری خاص و دیوان کیفری بین‌المللی، دادستان مکلف است در اسرع وقت کپی اسناد ضمیمه کیفرخواست و اظهارات شهودی که درصدد احضار آنها برای ادای شهادت در جلسه دادرسی است را در اختیار متهم قرار دهد. علاوه بر این، در صورت درخواست متهم، دادستان مکلف است اجازه بررسی هر گونه کتاب، سند، عکس و موضوعات عینی را که در تصرف و کنترل دادستان است و متهم برای آمادگی دفاع به آنها احتیاج دارد، یا دادستان درصدد استفاده از آنها در جلسه رسیدگی است، یا از متهم بدست آمده و یا متعلق به وی می‌باشد، صادر کند^۲.

۱- بند ۴ قسمت ب ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی؛ قسمت ب بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر؛ قسمت الف بند ۳ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر؛ قسمت الف بند ج ماده ۱۱ کد جنایات ضد صلح و امنیت بشری؛ ماده ۶۶ آیین دادرسی دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا و یوگسلاوی سابق؛ قسمت یک بند ب ۱۷ اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون.

۲- ماده ۶۶ آیین دادرسی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا؛ ماده ۶۱ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

علاوه بر این دادستان متعهد به افشای اسناد و اطلاعاتی است که منجر به تبرئه یا تخفیف گناه متهم می‌گردد.^۱ منظور از اسناد تبرئه‌کننده، اسنادی است که بر دادستان معلوم و مشخص است و به نفع متهم است. به این معنا که سبب تخفیف گناه یا بی‌گناهی متهم می‌گردد و یا ممکن است اعتبار اسناد دادستان را تحت تأثیر قرار دهد. عبارت سند، هر گونه اطلاعاتی که ممکن است متهم را در موقعیتی قرار دهد که بتواند از آنها برای دفاع از خود بهره‌مند گردد، در بر می‌گیرد (Rodney, 2003, p.1300).

از نظر دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا الزام مندرج در آیین‌دادرسی دارای دو رکن است؛ اول اینکه، اسناد مورد درخواست باید بر دادستان معلوم و مشخص باشد. دوم اینکه، اسناد مذکور باید به نحوی مؤثر در تبرئه متهم باشد (Prosecutor V. Elie Ndayambaje, 25 September, 2001).

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، صرف ادعای تبرئه‌کنندگی اسناد، برای پذیرش آن کفایت نمی‌کند. اثبات ویژگی و ماهیت تبرئه‌کنندگی اساس پذیرش چنین درخواستی را تشکیل می‌دهد.

با این وجود، استثناهایی بر تعهد کلی دادستان مبنی بر ارائه اسناد وارد شده است. از جمله گزارش‌ها، یادداشت‌ها و دیگر اسنادی که توسط طرفین، وکلا و یا نمایندگان آنها در ارتباط با تحقیقات مقدماتی یا آمادگی پرونده، تهیه شده است. از اطلاعات مذکور با عنوان اطلاعات یا اسناد داخلی یاد شده است.^۲ بر این اساس، دادستان مکلف نیست اسناد مذکور را در اختیار متهم قرار دهد.

۲- بهره‌مندی از زمان کافی برای دفاع؛ از دیگر حقوق مهم متهمان به ارتکاب جنایات بین‌المللی، داشتن مدت مناسب برای ارائه دفاع مناسب می‌باشد. این امر بستگی به مسائل گوناگونی دارد. از جمله نوع و ماهیت اتهام، پیچیدگی اتهام

1- بند ۲ ماده ۶۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی؛ ماده ۷۰ آیین دادرسی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای رواندا و یوگسلاوی سابق.

2- ماده ۷۰ آیین دادرسی محاکم کیفری خاص، ماده ۸۱-۸۲ آیین دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی.

و دلایل توجه آن، شمار اتهام‌های وارد شده و اینکه آیا متهم شخصاً به دفاع از خود می‌پردازد یا از طریق اعطای وکالت مبادرت به دفاع می‌نماید. در این ارتباط می‌توان به قضیه «سرکز» اشاره کرد. در این قضیه درخواست افزایش مدت برای ارائه دفاعیات مطرح شد. دلایل متهم عبارت بود از: ارائه ترجمه اظهارات شهود به زبان قابل درک متهم و همچنین دسترسی به شهادت شهود در پرونده‌های دیگری که مرتبط با پرونده مورد رسیدگی بود. دادگاه به بند ۴ قسمت ب و ماده ۲۱ اساسنامه دادگاه در خصوص بهره‌مندی از زمان و تسهیلات کافی اشاره کرد و درخواست مذکور را مورد پذیرش قرار داد (Prosecutor V. Mrio Cerkez, 1 April 1999).

۳- بهره‌مندی از تسهیلات کافی برای دفاع؛ بطور کلی حق بهره‌مندی از تسهیلات کافی برای دفاع در قالب اصل تساوی سلاح‌ها مطرح می‌گردد. به عنوان مثال، در قضیه تادیچ متهم استدلال نمود که مقامات جمهوری اسپرسکا در همکاری با وکیل مدافع موفق نبوده‌اند و دادگاه به نحو شایسته‌ای نتوانسته است برای بدست آوردن اسناد، حمایت‌های مناسبی از متهم به عمل آورد. بنابراین وی از تسهیلات لازم برای آمادگی دفاعش محروم شده است.

دادگاه در این باره اعلام کرد، اصل تساوی سلاح‌ها به این معناست که هر دو طرف از زمان و تسهیلات کافی برای ارائه دفاعیات خود بهره‌مند گردند. دادگاه با اشاره به رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر عنوان کرد که اصل تساوی سلاح‌ها در شرایطی که خارج از کنترل دادگاه است، قابل اعمال نمی‌باشد. هم چنین بر اساس تفسیر کمیته حقوق بشر، اصل مذکور کاملاً جنبه شکلی دارد و دادگاه مجبور است به همکاری دولت‌ها بدون داشتن اختیار اجبار آنها به همکاری از طریق اقدامات اجرایی متکی باشد. در نتیجه باید از اصل مذکور تفسیر متعادل‌تری، نسبت به آنچه که معمولاً در رسیدگی‌های محاکم داخلی رعایت می‌شود، ارائه کرد. در این پرونده، شعبه تجدیدنظر، اقدامات ممکن و در دسترس شعبه بدوی را مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که

شعبه بدوی در کمک به متهم برای دفاع از خود و ارائه مدارک کوتاهی نکرده است (Prosecutor V. Tadic, 15 July 1999 (AC) paras. 29-56). بنابراین محدوده اعمال حقوق دفاعی متهمان در مراجع داخلی و بین‌المللی با توجه به تفاوت در موقعیت، امکانات و تسهیلاتی که در دسترس آنهاست، یکسان نمی‌باشد.

د- حق احضار شهود و سؤال از آنها

یکی دیگر از حقوق دفاعی متهمان به جنایات بین‌المللی، حق سؤال از شهود حاضر در جلسه دادرسی و احضار شهودی است که شهادت آنها به نفع وی می‌باشد.

حق احضار شهود و سؤال از آنها، عامل اساسی در تأمین اصل تساوی سلاح‌ها و حق دفاع محسوب می‌گردد. در واقع دادرسی منصفانه ایجاب می‌کند که اصحاب دعوی از سلاح‌های مساوی برخوردار باشند و دادستان و متهم در جمع‌آوری دلیل و ارائه و اثبات آن در یک سطح قرار بگیرند (آشوری، ۱۳۸۳، ص ۳۵۶).

بهره‌مندی از حق مذکور فرصت سؤال از شهودی که مطالبی به نفع وی عنوان می‌کنند و ارزیابی مطالب و اسنادی که علیه وی ارائه می‌گردد، را به متهم اعطا می‌کند. علاوه بر این زمانی که شهود توسط متهم و دادستان مورد سؤال قرار می‌گیرند، فرصت استماع و ارزیابی اسناد برای دادگاه نیز فراهم می‌شود. در رویه محاکم کیفری خاص دسترسی به شهود و پرسش از آنها از تعهدات فوق‌العاده دادگاه در تضمین محاکمه عادلانه بر اساس مقررات اساسنامه محسوب شده است (Prosecutor V. Sikirica et al., 23 May 2001).

در خصوص اهمیت حق مواجهه با شهود و سؤال از آنها، باید توجه داشت که این حق جنبه مطلق ندارد و استثناهایی بر آن وارد شده است. در واقع، حمایت از

قربانیان و شهود، سبب محدود کردن حق مذکور می‌گردد و اجرای آن را با شرایطی همراه می‌کند.^۱ از جمله این محدودیت‌ها، عدم افشای اسامی شهود برای متهم، عموم مردم و رسانه‌های گروهی، مخفی نگاه داشتن اسامی شهود از لیست اسناد عمومی دادگاه، ادای شهادت از طریق وسایل الکترونیکی، استفاده از نام مستعار برای قربانیان، شهود و هر شخص دیگری است که در معرض خطر قرار دارد.^۲

لازم به ذکر است که دیوان اروپائی حقوق بشر استفاده از شهادت شهود گمنام را بطور کلی منع نکرده است، اما توصیه نموده که استفاده از چنین رویه‌ای باید محدود گردد. به عقیده دیوان، دادرسی منصفانه ایجاب می‌کند، اقداماتی که منجر به محدودیت حقوق متهم می‌گردد، با دقت و تنها در موارد ضروری، اتخاذ گردد. ارائه راه‌حلی در این خصوص بسیار دشوار است. زیرا از یک سو باید جان شاهد حفظ شود و از سوی دیگر عدالت درباره متهم اجرا گردد. در قضیه «بلاسکیچ» وکیل مدافع متهم برای پیدا کردن راه حلی به منظور تبرئه موکل خود، پیشنهاد کرد یک داور مستقل وارد پرونده‌های دادستان گردد و مواردی را که سبب تبرئه متهم می‌شود، بیابد. استفاده از چنین روشی در موارد شهود گمنام می‌تواند مؤثر واقع شود. به این ترتیب که با توافق هر دو طرف شخص ثالث بی‌طرفی و یا یکی از کارمندان دادگاه، اطمینان حاصل کند که، وظیفه بازجویی از شهود و سؤال کردن از وی عادلانه صورت گرفته است. علاوه بر این صدور حکم محکومیت بدون هیچ شک و شبهه‌ای به استناد شهادت شاهد گمنام بدون اینکه دلیل دیگری دال بر مجرمیت متهم وجود داشته باشد، بسیار دشوار است (Zappala, 2002, p. 1328).

۲- مواد ۲۱ - ۲۲ دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا؛ ماده ۶۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی؛ بند ۴ قسمت هـ ماده ۱۷ اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون.
۳- مواد ۷۵ و ۷۹ آیین دادرسی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای رواندا و یوگسلاوی سابق؛ مواد ۸۷ - ۸۸ آیین دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی.

در دادگاه‌های کیفری خاص، در موارد متعددی هویت شهود از عموم و رسانه‌های گروهی مخفی نگاه داشته شده است. برای نیل به این مقصود راه‌های متفاوتی اعمال شده است. از جمله شهادت در جلسات غیرعلنی یا تغییر چهره و حضور در جلسات علنی برای ادای شهادت با استفاده از نام مستعار (Prosecutor V. Krojelic, October 26, 2000; also see. Prosecutor V. Semanza, December 10, 1998)

در رویه دادگاه‌های کیفری خاص تنها موردی که هویت شهود در تمام جریان رسیدگی از متهم مخفی نگاه داشته شد، قضیه تادیچ بود. (Prosecutor V. Tadic, August, 1995. Also see, Presecutor V. Tadi, November 14, 1995)

منتقدان مخالفت خود را به تصمیم دادگاه یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ اعلام کردند؛ با این عبارت که تصمیم دادگاه حمایت از قربانیان را مقدم بر حق متهم مبنی بر مواجهه با شهود قرار داده است. موافقان تصمیم مذکور عنوان کردند دستورالعمل‌های خاصی که در این خصوص وجود دارد، نتایج منفی آن را کاهش می‌دهد؛ از جمله اینکه باید اطلاعات دقیقی در خصوص هویت شهود به قضات دادگاه ارائه گردد. علاوه بر این در صورتی که ارزش مدارک بدست آمده از طریق شهود گمنام در ارتباط با اجرای عدالت درباره متهم سؤال برانگیز باشد، دادگاه می‌تواند این مدارک را حذف کند. اما از نظر قاضی استفان، شهادت شهود گمنام، سبب به خطر افتادن حق متهم مبنی بر بهره‌مندی از محاکمه عادلانه می‌گردد. می‌توان اصل علنی بودن را محدود کرد اما اصل عدالت قابل تحدید نیست؛ عدالت تحت هیچ شرایطی نباید محدود گردد (C. Joyner, 1998, p.236 - 264).

یافته‌های تحقیق

توجه به حقوق متهم بالاخص متهمان به جنایات بین‌المللی در سیستم عدالت کیفری بین‌المللی، نشان می‌دهد که چگونه تحول تضمین‌های حقوق بشر بر حمایت

از حقوق متهمان در محاکمات کیفری، بالاخص بر آیین دادرسی کیفری بین‌المللی، اثرگذار بوده است. به نظر می‌رسد هر چه سیستم‌های رسیدگی به اتهامات متهمان به جنایات بین‌المللی پیچیده‌تر می‌شود، تضمین‌های بیشتری در رابطه با حقوق متهمان ایجاد می‌گردد. در واقع می‌توان گفت، رسیدگی‌های محاکم کیفری بین‌المللی براساس معیارهای جدید دادرسی عادلانه صورت می‌گیرد و تضمین‌های لازم برای برخورداری متهم از محاکمه‌ای منصفانه، مورد پیش‌بینی قرار گرفته است. رسیدگی‌های کیفری بدون رعایت اصول مربوط به محاکمه منصفانه، رسیدگی واقعی نیست و حاصلی جز بی‌اعتباری و هتک حرمت دادرسی کیفری بین‌المللی، به بار نخواهد آورد.

بر این اساس، اساسنامه محاکم کیفری خاص رواندا و یوگسلاوی سابق کاملاً منطبق با الزامات مندرج در ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی است، که یکی از اسنادی است که منشور حقوق بشر را تشکیل می‌دهد. علاوه بر این در رویه قضایی محاکم مذکور، تلاش گسترده‌ای برای رعایت استانداردها و معیارهای محاکمه منصفانه و حقوق متهمان صورت گرفته است و در موارد متعددی به کنوانسیون‌های حقوق بشری و رویه قضایی نهادهایی چون دیوان اروپایی حقوق بشر و دادگاه آمریکایی حقوق بشر اشاره شده است. این مسأله در زمان تدوین اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفت. تلاش جامعی برای رعایت حقوق متهم در تمام مراحل رسیدگی صورت پذیرفت.

اما با تمام تلاشی که در جهت تضمین و رعایت حقوق متهمان به جنایات بین‌المللی صورت گرفته است، ایرادهایی بر مقررات محاکم کیفری بین‌المللی و بر عملکرد دولت‌ها در خصوص نحوه اجرای حقوق متهمان وارد است.

از جمله، ابهام استثنائات مندرج در اساسنامه محاکم کیفری بین‌المللی در خصوص تشکیل غیرعلنی جلسات رسیدگی که امکان سوء استفاده از این مورد را افزایش می‌دهد. مشروط بودن انتصاب وکیل تسخیری و ابهام شرایط مربوط به انتصاب، از جمله ایجاب منافع عدالت که ممکن است منجر به محرومیت متهمان به

ارتکاب جنایات بین‌المللی از حق بهره‌مندی از مساعدت وکیل گردد. □ استناد به شهادت شهود گمنام جهت صدور حکم که می‌تواند سبب ورود لطمه به حق بهره‌مندی از محاکمه منصفانه شود. فقدان مقرراتی در خصوص نحوه مجازات ناقضان حقوق متهمان، از دیگر موادی است که قابل اشاره است.

بنابراین بررسی عملکرد و رویه محاکم کیفری بین‌المللی و اصلاح مواردی که ممکن است به حقوق متهمان به جنایات بین‌المللی لطمه وارد کند، آموزش‌های حقوق بشری به مأموران و نظارت بر رفتار آنان با متهمان، قابل استناد نبودن اسنادی که از طریق نقض حقوق متهم به دست آمده‌اند، تعیین مجازات برای ناقضان حقوق متهمان از جمله راهکارهایی است که جهت تضمین بهتر حقوق متهمان در جریان رسیدگی‌های کیفری می‌توانند مؤثر واقع شوند.

منابع و مأخذ

- آشوری و همکاران، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، مؤسسه تحقیقات علوم جزائی و جرم‌شناسی، ۱۳۸۳
- کیتیچایساری، کریانگساک، حقوق بین‌الملل کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان، محمد اسماعیلی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۳
- عظیمی، عبدالرسول، محاکمه نورنبرگ از نظر حقوق جزا، تهران، سازمان چاپ و انتشارات کیهان، ۱۳۴۱
- آزمایش، علی، «رعایت حقوق فردی در دادرسی بین‌المللی کیفری با تاکید بر حقوق متهم»، مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی بررسی مسائل حقوق

بین‌الملل بشر، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، اردیبهشت ۱۳۸۱

امیدی، جلیل، «حقوق بشر در دعاوی کیفری براساس اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای»، تهران، مجله حقوقی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۹، ۱۳۷۹
بیگزاده، ابراهیم، «سازمان ملل متحد در محاکم کیفری بین‌المللی تئوری و عمل»، تهران، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸، ۱۳۷۵

خالقی، علی، «علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی»، تهران، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۵

داوید، اریک، «دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق»، ترجمه مصطفی رحیمی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۸ - ۱۹، ۱۳۷۳-۷۴

زالمن ماروین، سیگل، لاری، دادرسی کیفری به عنوان حقوق بشر، ترجمه

جلیل امیدی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۴، ۱۳۷۸

کاتبی، حسینقلی، حق دفاع، مجله حقوق مردم، سال اول، شماره ۳، ص ۲۷

هدایتی، «محاکمه نورنبرگ»، مجله کانون وکلا، شماره ۲، ۱۳۲۷

— — دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران، به اهتمام اسحاق آل‌حیب، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۷۹

— — آشنائی با حقوق بشردوستانه بین‌المللی به انضمام قراردادهای چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی، تألیف کمیته ملی حقوق بشردوستانه، تهران، جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱

— — گزیده‌ای از مهمترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تهیه و تنظیم مرکز مطالعات حقوق بشر، سازمان ملل متحد برنامه عمران ملل متحد، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۱

— — مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، کرسی حقوق بین‌الملل، صلح و دموکراسی یونسکو، با همکاری سازمان اصلاحات جزائی بین‌المللی، زیر نظر دکتر اردشیر امیرارجمند، با پیشگفتاری از ماری رابینسون، دانشگاه شهید بهشتی، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰

کتاب لاتین

Bergsmo, Morten, Human Rights And Criminal Justice for The Downtrodden, Marinus Nijhoff Publishers, Leiden/ Boston, 2003

Boas, Gideon, A. Schabas, Willam, International Criminal Law Developments in the Case Law of the ICTY, Martinus Nijhoff Publishers, Leiden/ Boston, 2003

C. Joyner, Christopher, Bassiouni, M. Cherif, Reining In Impunity for International Crimes and Serious Violations of Fundamental Human Rights: Proceedings of the Siracusa Conference 17- 21 September 1998, Association International De Droit Penal, 1998

Cassese, Antonio, R.W.D Jones, John, Gaeta, Paola, (Editor) The Rome Statute of the International Criminal Court, Vol, 1&2, Oxford University Press 2002

De Than. B.A, Claire and Shorts M.A, Edwin, International Criminal Law and Hunan Rights, London. Sweet & Maxwell, 2003

Morris, Virgingia and P. Scharf, Michael, An Insider's Guide to the International Criminial Tribunal for the Fromer Yugoslavia A Documentary, History and Analysis, Vol, 2. Transnatioal Publishers. Inc. Inrrington-on- Hudson, New York, 1995

Rodney, Dixon, Karim, A.a. Khan, Richard, May, International Criminal Court, Practice, Procedure and Evidence, London, Sweet & Max Well, 2003

اسناد لاتین

Gonzalez del Rio V. Pero (263/1987); 28 October 1992, Report of the HRC, Vol.1, (A/40), (48/40)

Inter- American Commission, Second Report on the Situation of Human Rights in Colombia, OEA/Ser.L/V/II.84-doc 39.1993

International Tribunal for the Prosecution of Persons Responsible for Serious Violations of International Humanitarian Law Committed In the Territory of The Former Yugoslavia Since 1991: Report on the Assignment of Counsel And Directive on Assignment of Defence Counsel, May 2, 1994, and August 1, 1994, International Legal Material, Vol. XXXIII, No.6. November 1994

UNITED NATIONS: Secretary General's Report on Aspects of Establishing an International Tribunal for the Prosecution of Persons Responsible for Serious Violations of International Humanitarian Law Committed In the Territory of the Former Yugoslavia, may 3, 1993, International Legal Material, Vol. XXXII, No.4, 1993

UNITED NATIONS: Security Council Resolution 955 (1994) Establishing The International Tribunal For Rwanda, International Legal Material, Vol. XXXIII, No.6, 1994

UNITED NATIONS: Security Council Resolution on Establishing an International Tribunal for the Prosecution of Persons Responsible for Serious Violations of International Humanitarian Law Committed In the Territory of the Former Yugoslavia, International Legal Material, Vol. XXXII, No.4, 1993

آراء محاکم کیفری بین‌المللی

Prosecutor V. Aleksovich, Appeal Judgment. Case No. IT-95-14/I-A, 24 March 2000

Appeal Chamber, Prosecutor V. Barayagwiza, Decision on Prosecutor's Request for Review or Reconsideration March 31, 2000

Prosecutor V. Dragan Nikolic, Case No. IT-94-2-PT, Decision on deforce motion challenging the exercise of Jurisdiction by the Tribunal

Prosecutor V. Elie Ndayambaje, Case No. ICTR-98-8-T, Decision on the Defence for disclosure, Rule 66, 70 (A) and 73 of the Rules, 25 September, 2001

Prosecutor V. Kordic Decision on Joint defence motion to dismiss for lack of Jurisdiction Portion of the amended indictment alleging "Failure to punish" liability, March 2 1999

Prosecutor V. Mario Cerkez, Order of 1 April 1999, Order on Motion to enlarge time Concerning translations

Prosecutor V. Mika Muhimana, Decision of 6 November 2001, on the defence Motion for translation of document in the kinyarwanda

Prosecutor V. Milosevic, Preliminary Protective Motion, Case No. IT-99-37-PT.9. August 2001

Prosecutor V. Semanza, ICTR, Ap.ch, Decision on Request for Review of the Appeal Chamber, Decision of 31 May 2000

Prosecutor V. Sikirica et al, Order of the President on the Early Release of Draga kolundziga, December 5, 2001

Prosecutor V. Tadic, Decision on Defence Motion for Interlocutory Appeal on Jurisdiction, Case No.IT-94-AR 12, October 1995

Prosecutor V. Tadic, Decision on prosecutor's motion requesting protective measures for victims and witnesses, August 1995

Prosecutor V. Tadic, Judgment of 15 July 1997 (AC)

Prosecutor V. Zoran Zigic, Decision on the defence Motion to extend time limit for submitting preliminary Motion, 24 June 1998

سایت‌های مربوطه

www.europa.eu.int

www.un.org/law/ilc/texts/dcode.htm

[www.un.org/ailib/intcam/fair trial/indxftm-b.htm](http://www.un.org/ailib/intcam/fair%20trial/indxftm-b.htm)